

دلیل منکرین احادیث امام مهدی(ع)

با دقت در کتب صحیح احادیث اعم از شیعه و سنی متوجه می شویم که احادیث مهدویت متواتر است و امام مهدی(ع) هم واحد است و نیز رمز وحدت مسلمین وجود مبارک امام مهدی(ع) است.



چکیده بدون شک مهدویت رمز وحدت مسلمین است، اما به دلیل دخالت عناصر مرموز، دستخوش چالش فرقه گرایی شده است که تشکیک در مهدویت و یا انکار مهدویت است. این ها مدعی اند که در اسلام اساساً مهدویت وجود ندارد؛ و بر فرض که مهدویت درست باشد دو تا مهدی داریم: یکی مربوط به اهل سنت است و دیگری ساخته و پرداخته شیعیان می باشد. در پاسخ باید اذعان نمود که با دقت در کتب صحیح احادیث اعم از شیعه و سنی متوجه می شویم که احادیث مهدویت متواتر است و امام مهدی(ع) هم واحد است و نیز رمز وحدت مسلمین وجود مبارک امام مهدی(ع) است. **کلیدواژه‌ها** امام مهدی(ع)؛ علم حدیث؛ تقریب مذاهب اسلام؛ مقدمهاصولاً در ساختار هندسی هر دین و آیینی، رهبری و امامت عمده است، چنانچه مواج با نابودی شود کیان و هستی آن از بین می رود. از این زاویه دید ساختاری، بنیاد اسلام بر امامت بعد از توحید و نبوت است و همه فرق مسلمین آن را قبول دارند که در جای خود خواهد آمد. لذا وجود مبارک امام و قهرآ امامت حضرت حجه ابن الحسن امام عصر(ع)، رکن اصلی و عمود خیمه اسلام است. چون مهدویت در ذات اسلام قرار دارد و معنادهنده نبوت و خاتمیت نبی اکرم(ص) دین اسلام می باشد و انکار مهدویت منتهی به انکار نبوت و اسلام می گردد. **چرایی انکار امام مهدی(ع)** در همین راستا یعنی «نفی دین اسلام»، دست به کار شده که اصل مهدویت را کنار بزنند تا به زعم خودشان با ساختن دنیای بدون منجی دینی به نیات استعماری شان دست یابند. متأسفانه در شرایط حاضر، جهان اسلام شاهد پروسه مرموز و مشکوک انکار مهدویت می باشد. دلیل عمده این توطئه، بلندگویی روزافزون اسلام ناب محمدی به رهبری ابراهیم زمان امام خمینی(ره) و خلف بر حشش امام خامنه ای (دام ظلّه العالی) می باشد. البته قابل یادآوری است که پروسه نفی مهدویت از ادعای شیطان غرب می باشد. از ده سال پیش، فرهنگ سازان و اندیشه پروران سینمای هالیوودی دست به کار شده اند و صدها حلقه فیلم ضد مهدویت را و یا باصطلاح منجی گرایانه را در قالب هنرهای هفتم، پدید آورده اند. صحنه های اکشن این فیلم ها اساساً باورهای نوجوانان و جوانان را آماج خود قرار می دهد که روندی بسیار قابل تأمل برای متفکران و اندیشمندان اسلام و مشرق زمین است. موج فیلم های منجی گرایانه آمریکایی و در اصل یهودی، چیزی جز مبارزه با اندیشه پاک مهدویت نیست. پیام نهایی این گونه منجی سازی آمریکایی، ایجاد بدیل کاذب برای بشریت است که در جای خود باید بررسی گردد. **چگونگی انکار امام زمان** دقیقاً در ادامه توطئه هالیوودی-آمریکایی ایادی مرموز صهیونیستی در دنیای اسلام دست به کار شده اند. این ها با پشتوانه پنهان و آشکار استکبار جهانی با هدف ضربه زدن به اسلام راستین محمدی به میدان آمده اند و سردمداران انکار اصالت مهدویت در متون دینی اسلامی گردیده اند. **استراتژی فرقه گرایانه** رهاورد تاریخی استعماری در خاورمیانه طبق معمول نزاع مذهبی است که مشتری فروان دارد و متولی آن سلفی گری یا وهابی گری جزیره العرب است. یکی از این ها چنین می نویسد: «بانیان اصلی اندیشه مهدویت شیعیان هستند و هسته اصلی تشیع بر مبنای امامت امام دوازدهم و مهدی منتظر محمد بن حسن عسکری استوار می باشد؛ که متأسفانه در تعامل روزمره اجتماعی مانند هم نشینی و دوستی و رفت و آمد شیعه و سنی در مرور زمان به اعتقاد اهل سنت نیز سرایت کرد تا که به مهدویت ایمان آوردند تا بخشی از عقیده آن ها (سنی ها) شد، در حالی که اصل عقیده اهل سنت بری و خالی از مهدویت می باشد». (وران اصل من تبنی هذه الفکره یعنی فکره المهدی والعقیده هم الشیعه؛ و در صفحه 30 از کتاب لامهدی ینتظر بعد الرسول خیرالبشر؛ والمهدی فی مبدأ دعوته واحد ولیس باینین فلم یقل أحد أنهما مهدیان وإنما هو مهدی واحد تنازعته أفكار الشیعه وأفکار بعض أهل السنه فکل لوم أو ذم ینحی به علی الشیعه لإیمانهم بإمامهم محمد بن الحسن الذی هو فی السرداب فإنه ینطبق بطریق التناطبق والموافقه علی أهل السنه الذین ینصدقون بالمهدی المجهول فی عالم الغیب فهما فی فساد الاعتقاد به سیان. انتهی) **راهبرد تفرقه آمیز مهدویت ستیزگی، در دو راهکار شکل گرفته است** 1- انکار تام و تمام مهدویت؛ 2- مهدویت ساخته و پرداخته شیعیان. **منکران مهدویت** منکران مدعی اند که احادیث و اخبار مهدویت نادرست می باشد چون در صحیح بخاری و صحیح مسلم دو کتاب عمده حدیثی اهل سنت احادیث مهدویت نیست؟ پژوه پیش روی در نظر دارد با این منکرین جدال علمی نماید لذا روش تحقیق به اقتضای مباحثی شکل می گیرد که بقرار زیر است: **علم حدیث** استراتژی عمده این پژوه در مقام اثبات نقلی و بر مبنای اصول علم حدیث است و گفتمان درون دینی و علم حدیثی خالص است و در ادبیات خاص و گفتمان اهل سنت اجرا می شود که هدف رساله می باشد. مباحث حدیثی مورد نظر تقریبی است «پاسخ به منکران احادیث امام مهدی(ع)» در مقیاس های حدیثی اهل سنت و امامیه اجرا می گردد، ماهیت تقریبی دارد و از احادیث سنی به مثابه نکات اصلی و پرکننده این زنجیره ریاضی استفاده می شود؛ و ثابت می شود که ترسیم شکل منطقی از دین اسلام، تنها با مهدویت میسر است که نقطه تلاقی و اوج کمال تشریح در سایه تکوین می باشد و غایت و هدف خلقت انسان را بر روی زمین نشان می دهد. **قطر سرزمین توطئه** امیرنشین کوچک قطر با رژیم وهابی، که از برکت نفت سرمرست اند اساساً در تاریخ منطقه و خاورمیانه اسلامی فاقد تبار و پیشینه می باشند و تنها سند معتبری که نشانه موجودیت سیاسی شان است، منوط به استعمارگران انگلیسی و جایگزینی اربابان سابق در اوایل دهه هفتاد میلادی است. با توجه به این پیشینه استعماری، دور از انتظار نیست که امیرنشین قطر مرکز توطئه تفرقه افکنانه روباه پیر (انگلستان) در میان مسلمین باشد. در این رابطه کتابی به نام «لا مهدی ینتظر بعد رسول الخیر البشر» به چاپ رسانیده شد. مؤلف کتاب، نخست احادیث امام مهدی(ع) را ضعیف می شمرد و بعد یکسره مهدویت را در اسلام انکار می نماید. **دلیل منکرین احادیث امام مهدی(ع)** چنانچه یکی از منکرین امام زمان(ع) (بن محمود، لامهدی ینتظر بعد رسول خیرالبشر، صص 8 و 26 و 31 و 39، نقل عن کتاب، عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر: الشیخ عبد المحسن العباد معاصر بحث فی 38 صفحه نشرته مجله الجامعه الاسلامیه المدینه المنوره العدد الثالث السنه الاولی ذوالقعدہ 1388) گوید: یکی از اسباب مهم ضعف احادیث امام مهدی نیامدن در صحیحین بخاری و مسلم است. اگر چنانچه این احادیث قوت سندی می داشت و صحیح می بود حتماً شیخین بزرگ علم حدیث، امام بخاری و امام مسلم، متعرض آن می شدند و حالا که آن ها رها کرده اند پس احادیث مهدویت نادرست تلقی می شود. لازم به ذکر است که تکیه ایشان بر صحیحین بخاری و مسلم مبتنی بر خوانش جماعت حدیث اهل سنت از صحاح مزبور می باشد که صحیحین را معتبر می دانند و اصولاً در برابر احادیث صحیحین سر تسلیم فرود می آورند. در حالی که این اعتبار و درجه صحت طبق گفته خود بخاری و مسلم و نیز علمای برجسته اهل سنت مجازی است و نه حقیقی، چنانچه این مطلب بعداً در پژوه پیش رو خواهد آمد. **گفتمان حدیثی اهل سنت** قبل از هر سخنی قابل یادآوری است که اشکال یا شبهه مزبور طبق گفتمان حدیثی برادران اهل سنت آمده است. لازم است که بطلان آن هم بر گفتمان حدیثی اهل سنت استوار باشد. چون اگر بخواهیم حوزه یک شبهه را از جایگاه دانش شناختی و یا معرفتی که دارد به حوزه دیگری ببریم راه درست را نرفته ایم و شاید نوعی النقاء جدل و سفسطه باشد. مثلاً اشکال علمی را با داده های نقلی پاسخ دهیم و یا برعکس برای مستندات نقلی و حدیثی سراغ علم دیگری برویم. ممکن است این رویکردها درست باشد اما نمی تواند برای اشکالی که در حوزه خودش طرح شده است جواب کافی باشد. لذا چون اشکال طبق منابع و منطق حدیثی اهل سنت درج شده است لازم است که بر همان منوال یا گفتمان حدیثی اهل سنت پاسخ داده شود. **احادیث صحیح نزد اهل سنت** اولاً باید بگویم که قاعده انحصار احادیث صحیح در صحیحین بخاری و مسلم برخلاف نظر شیخین بزرگ حدیث است زیرا انحصار صحت حدیث در نظر آن ها مجازی است تا حقیقی و برای تشریح مطلب به نکات ذیل می پردازیم: 1. شیخین بزرگ حدیث آقایان بخاری و مسلم هرگز مدعی نشده اند هر آنچه حدیث درست و صحیح است حتماً در کتاب هایشان آمده است و هر آنچه که بیرون مانده نادرست است. 2. هیچ دانشمندی از اهل سنت همچنین قاعده و سخنی را از آن ها روایت نکرده است. 3. حتی عکس این پندار از امام بخاری و امام مسلم در متون حدیثی اهل سنت آمده است: ابو عمرو ابن الصلاح متوفای 643 ق (1161 م) و صاحب کتاب «علوم الحدیث» عالم برجسته علم حدیث در قرن ششم و هفتم است در بلده «شیرخان» نزدیک شهر «زور» به دنیا آمد. ملک اشرف پادشاه ممالیکی مصر و شامات، تولیت دارالحدیث اشرفیه دمشق را به وی داد. دارای مؤلفات عدیده ای است: 1. معرفه انواع علوم الحدیث که به مقدمه ابن الصلاح مشهور است؛ 2. الامالی؛ 3. الفتاوی؛ 4. شرح الوسیط؛ 5. فوائد الرحله؛ 6. ادل المفتی والمستفتی؛ 7. طبقات الفقهاء الشافعیه؛ 8. طله الناسک فی صفه المناسک. وی در دمشق وفات یافت. او می

نویسد: همه احادیث صحیح در کتاب های بخاری و مسلم نیست و هرگز آن دو ملزم به انحصار کلیه احادیث صحیح نبوده اند. چنانچه من از خود بخاری نقل قول نمایم که ایشان بسیاری از احادیث صحیح را به جهت طویل بودن نیاورده اند. ایضا ابن الصلاح ابوعمر که از اعظم علمای اهل سنت می باشد، از امام مسلم نقل کرده که ایشان فرموده: مراد از صحت حدیث این نیست که هر چه من آورده ام صحیح است، بلکه معنای صحیح این است که آنچه آوردم مجمع علیه می باشد و نیز بسیاری از احادیث که صحیح هم بود یا مجموع علیه هم بود را نیاوردم. (دقت و صداقت و امانت علمای حدیث را توجه نمایند که چگونه هرگونه جزمیت و تجمد را می زدایند). امام ابو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف نووی در شرح خویش بر صحیح مسلم «المنهاج فی شرح مسلم» بعد از آنکه التزام گروهی از متابعت کنندگان شرط و شروط و راه حدیث پژوهی بخاری و مسلم را بر می شمرد می نویسد: این التزام و تکیه ویژه بر قاعده انحصار صحیح در بخاری و مسلم درست نیست، چون هر دو هرگز داعیه استیعاب کلیه احادیث صحیح را نداشتند و هر دوی ایشان تصریح نموده اند که نتوانستند همه اخبار صحیح را گردآوری نمایند و کارشان مانند فقیهی است که کتاب احکام را می نویسد و بدان معنا نیست که هر اندازه و عدد حکم فقهی باشد همه را در کتابش آورده است. بخاری و مسلم هم کتاب حدیث تألیف کرده اند و بسیاری از احادیث صحیح را متذکر شده اند اما این گفته منطقی درست نیست که در عالم وجود احادیث صحیح و همه شان را دارند و هر آنچه بیرون مانده ضعیف و یا نادرست است؟ محیی الدین ابو زکریا یحیی بن شرف الحورانی الشافعی النووی متوفای 676 ق (1234 م) امامت و تولیت دارالحدیث الاشرافیة دمشق را داشت و کتب ذیل از اوست: 1. تهذیب الاسماء و اللغات. 2. المنهاج فی شرح المسلم. 3. التقرب و التیسیر فی مصطلح الحدیث. 4. الاذکار. 5. ریاض الصالحین. 6. اربعون نووی. 7. مختصر اسد الغابه فی معرفه الصحابه و... دلیل دیگر بر عدم اعتبار قاعده انحصار احادیث صحیح در صحیحین بخاری و مسلم: از بخاری آمده است که از بر نما صد هزار حدیث صحیح را و نیز دو صد هزار حدیث غیر صحیح را. در حالی که کلیه احادیث منتسب به رسول خدا بیش از ده هزار حدیث نیست. حاکم نیشابوری متوفای 378 ق (898 م) محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق ابو احمد النیسابوری الکرابیسی معروف به الحاکم الکبیر، محدث خراسان در عصر و زمانه خودش بود. معروفترین اثر وی «المستدرک علی الصحیحین» است و تألیفات ذیل را دارد: 1. الاسماء و الکنی. 2. العلل. 3. المخرج علی کتاب المزنی. 4. الشیوخ و الابواب. وی در کتاب مشهور خود «المستدرک علی الصحیحین» احادیث بسیاری را آورده که بر مبنای شروط شیخین بخاری و مسلم و یا یکی از آن ها درست است که بخاری و مسلم متعرض آن ها نشده بودند ولی حاکم بر مبنای روش کاری شان یعنی شروط شیخین این احادیث را آورده و صحیح هم دانسته است. محدث و حدیث شناس مشهور اهل سنت، الامام ذهبی هم بسیاری از تصحیحات حاکم را صحیح شمرده است. در حالی که این احادیث مستدرکه بدو در صحیحین نیامده است و صرفاً بر اساس استدراک حاکم بر شروط شیخین پیدا شده است. الذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز، ترکمانی الأصل، ثم الدمشقی، المقرئ، امام و حافظ و محدث عصر و خاتم الحفاظ و مورخ مشهور اسلام است تا آنجا که امام حدیث شد. السخاوی یکی از بزرگان حدیث درباره وی گفت: همه محدثین ریزه خوار سفره حدیثی ذهبی و مزنی و عراقی و حافظ ابن حجر می باشند. ذهبی در حدود صد اثر دارد که مشهورترین آن ها عبارت اند از: 1. تاریخ الإسلام؛ 2. سیر أعلام النبلاء؛ 3. طبقات الحفاظ؛ 4. طبقات القراء؛ 5. مختصر تهذیب الکمال؛ 6. الکاشف؛ 7. التجرید فی أسماء الصحابه؛ 8. و المیزان فی الضعفاء؛ 9. المغنی فی الضعفاء؛ 10. تلخیص المستدرک للحاکم؛ 11. مختصر سنن البیهقی و غیره. وی در دمشق به دنیا آمد و همانجا وفات یافت. **کتاب احادیث صحیحاً توجه به مطالب پیشین دریافتیم که احادیث صحیح اهل سنت منحصر در صحیحین بخاری و مسلم نیست و بلکه در کتب معتبره زیر هم می باشد مانند:**

الموطأ امام مالک صحیح ابن خزیمه صحیح ابن حبان مستدرک الحاکم جامع الترمذی سنن أبی داود سنن النسائی سنن ابن ماجه سنن الدارقطنی سنن بیهقی و...

که مورد احترام و اتفاق دانشمندان اهل سنت و حدیث است. در تمام منابع فوق احادیث امام مهدی (ع) در مجموع به عنوان حدیث صحیح و متواتر پذیرفته شده است. **اقسام حدیث صحیح و حسن در گفتن حدیثی اهل سنت احادیث مورد اعتبار کلاً بر دو نوع حدیث صحیح و نیز دو نوع حسن است:** 1. صحیح لذاته. 2. صحیح لغیره. 3. حسن لذاته. 4. حسن لغیره. **هنکته دیگر در علم حدیث:** بر مبنای گفتن حدیثی اهل سنت هر آنچه در صحیحین بخاری و مسلم آمده صحیح می باشد اما مانع این نیز نیست که در دیگر کتب صحاح، حدیث صحیح نباشد. ممکن است حدیث صحیحی باشد ولی در صحیحین ذکر نشده است؛ اما احادیث حسنه بسیاری است که در صحیحین نیست و در خارج از آن ها می باشد. دانشمندان حدیث شناس اهل سنت در تقسیم چهارگانه فوق اتفاق نظر دارند و متذکر شده اند. چنانچه حافظ ابن حجر که یکی از سرشناسان علم حدیث است در کتاب خویش «نخبه الفکر» در تقریر انواع حدیث چنین می نویسد: خبر صحیح خبری است که ناقل عادل و متصل السند و غیر معلول و غیر شاذ دارد. این همان خبر صحیح لذاته می باشد که بالاترین درجه قبولی را دارد. اگر چنانچه در برخی از موارد مانند ناقل و اتصال سندی و... دچار مشکلی باشد صحیح لذاته خوانده نمی شود و باید خارج از متن و سندش مثل کثرت طرق روایی مؤید و مصحح یافت شود تا صحیح خوانده شود که صحیح لغیره نام دارد. اگر این مؤید و به اصطلاح اهل حدیث مجبر ضعف نداشته باشد حسن لذاته نام می گیرد و اگر قرینه و شاهدهی بر تقویت و رجحان یابد حسن لغیره است. **حدیث صحیح نزد اهل سنت بر هفت قسم است:** 1. در صحیحین ذکر شده است؛ 2. در یکی از صحیحین مثلاً از صحیح بخاری و یا از صحیح مسلم آمده است؛ 3. یا مسلم از استادش بخاری گرفته است؛ 4. حدیث صحیح است در صحیحین نیست اما بنا بر شروط شیخین استخراج شده است؛ مانند احادیثی که در المستدرک حاکم نیشابوری آمده است؛ 5. حدیث صحیح است چون تنها بر شروط بخاری استخراج شده است؛ 6. حدیث صحیح است چون تنها بر شروط مسلم استخراج شده است؛ 7. حدیث صحیح است اما بر شروط مسلم و بخاری هم استخراج نشده و به لحاظ شروط مستقل است. مراتب هفتگانه فوق را ابن الصلاح حافظ عمرو در کتابش به نام «علوم الحدیث» آورده است؛ و نیز حافظ ابن حجر در کتاب معروف خود «نخبه الفکر» و همچنان بقیه علمای معروف حدیث ذکر نموده اند. از مراتب هفتگانه احادیث فوق تنها سه مرتبه اول در صحیحین شیخین یعنی بخاری و مسلم است و چهار مورد دیگر بیرون از آن ها می باشد. نحوه برخورد علما با احادیث صحیح هفتگانه فوق بدون تفاوت است اعم از این که در صحیحین باشد یا نه و این روش اکنون بیش از هزار سال است که ادامه دارد و مورد اجماع اهل سنت و جماعت است. تا امروز دیده نشده که احدی از عالمان، حدیث صحیحی را به استناد نبودن آن در صحیحین بخاری و مسلم دور انداخته باشند و یا ارزش آن را کم کرده باشند. حتی در امور بزرگ اعتقادی اهل سنت مانند حدیث مشهور «عشره مبشره» از پیامبر خدا نیز این گونه است. حدیث «عشره مبشره» در صحیحین نیست و تنها در مسند امام احمد بن حنبل و دیگر سنن و... می باشد؛ اما عموم جامعه اهل سنت به حدیث «عشره مبشره» اعتقاد دارند. چنانچه برخی می گویند در معماری جدید حرم مقدس نبوی گنبد با عظمت سبز بر روی مرقد مبارک حضرت رسول (ص) نشانه نبوت است؛ و ده مناره بلند و سفید رنگ به نشانه عشره مبشره از اصحاب رسول اکرم (ص) می باشد و ایضاً نام «عشره مبشره» در زیر گنبد درج شده است. با این وصف تا هنوز کسی در میان اهل سنت نیامده و در حدیث «عشره مبشره» اشکالی وارد نکرده است. گفتنی است حدیث «عشره مبشره»، مانند حدیث «مهدویت» متواتر هم نیست و در صحیحین مسلم و بخاری نیز نیامده است، با این وصف کسی نمی تواند بگوید: حدیث «عشره مبشره» موضوعه است. و از این دست، حدیث مشهور دو ملک نکیر و منکر و سنوالم کتبه در شب اول قبر از میت که در صحیحین نیست اما جزو اعتقاد عموم مسلمین و نیز قاطبه جامعه اهل سنت است. با نگرش دقیق به مقدمات فوق، اثبات می شود که اصل مهم در صحت حدیث صحیح، به لحاظ انتساب و دلالت آن است نه این که حتماً در صحیحین آمده باشد و الا بسیاری از مسلمات اعتقادی هم زیر سؤال می رود و اصلاً اگر چنین باشد که هر چه از احادیث

در صحیحین نیامده مردود است دیگر چه نیازی به سنن و صحاح دیگر است؟ باید بقیه کتب معتبره احادیث مسلمین و یا اهل سنت را در گوشه ای بایگانی نمود و اخبار آثار نبوی را دفن کرد. هیچ صاحب منطقی در تاریخ حدیث، این گونه سخن نرانده است. احادیث امام مهدی(ع) هم از این قبیل است. نیامدن برخی از آن ها در صحیحین خللی وارد نمی نماید؛ اما دقت بیشتر نشان می دهد که برخلاف گفته ایشان برخی از احادیث مهدویت در صحیحین وجود دارد که اشاره می نماید: **احادیث امام مهدی(ع) در صحیحین** برخلاف ادعای منکران امام مهدی(ع) برخی از احادیث امام مهدی(ع) در اصل از صحیحین است؛ مانند این حدیث که در صحیح مسلم آمده است: «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يَقَاتِلُونَ عَلِيَّ الْحَقَّ، ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَيُتْرَلُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَى صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ، تَكْرَمَهُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ». (صحیح مسلم، ج 1، ص 55) از جابر(رض) می گوید: از پیامبر اکرم(ص) شنیدم که می گفت: هنوز باقی می ماند دسته ای از امت من که در راه حق پیکار می کنند و تا روز قیامت و آن وقت که عیسی بن مریم(ع) از آسمان به کمکشان نازل می شود، پس امیر مجاهدین به عیسی(ع) می گوید بیا امامت جماعت را در نماز بر دوش بگیر، ولی عیسی(ع) جواب می دهد که خیر، چون یکی از شما بر دیگران امیر هستید و خداوند آن امارت را به نشانی کرامت این امت قرار داده است. هر چند نام امیر مسلمین در حین نزول عیسی بن مریم(ع) در حدیث جابر ذکر نشده است، اما در جای دیگر از متون صحاح اهل سنت نام این امیر که عیسی بن مریم(ع) به او افتد می کند به نام مبارک مهدی(ع) ذکر شده است؛ و آن در همین حدیث جابر در نزد حارث بن اُبی أسامه است که به این شرح است: «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: يَنْزِلُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ، تَعَالَى، صَلِّ بِنَا. فَيَقُولُ: لَا، إِنْ بَعْضُهُمْ أَمِيرُ بَعْضٍ، تَكْرَمَهُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ». (فیض القدير، ج 6، ص 17) پس امیر مجاهدین که مهدی(ع) است، به عیسی(ع) می گوید، بیا امامت جماعت ما را در نماز بر دوش بگیر، ولی عیسی(ع) جواب می دهد که خیر، چون یکی از شما (یعنی مهدی) بر دیگران امیر هستید و خداوند آن امارت را به نشانی کرامت این امت قرار داده است. حتی این قیم در اثرش بنام «المنار المنيف» که در مواردی رویکرد دارد و حتی بر برخی از احادیث امام مهدی(ع) خرده می گیرد نیز این حدیث را به لحاظ صحت سند می پسندد و می گوید سند خوبی دارد. **مهدویت ساخته و پرداخته شیعیان** متأسفانه از دیگر طرفداران تئوری «مهدویت ساخته شیعه» احمد امین است. وی با آن که یک سکولار است و اساساً به دین اسلام با نگاه و متد غربی قضاوت می کند، باز هم نمی تواند رگه های سلفی گری خودش را کتمان نماید و یک طرفه نزد قاضی رفته و بی محابا مهدویت را مجعول شیعیان می خواند. احمد امین در کتاب معروف خودش به نام «ضحی الاسلام» جلد سوم صفحه 241 چنین می نویسد. اندیشه مهدویت برخاسته از زمینه های سیاسی و جامعه شناختی است. به نظر من خاستگاه مهدویت اپوزیسیون تشیع علیه نظام خلافت می باشد زیرا که نخستین بنیان گذاران مهدویت هستند چون زمام خلافت از دستشان گرفته و خارج شده بود. باز در جلد سوم صفحه 243 می نویسد: رهبران چیره دست شیعه اندیشه عمومی مردم ساده دل را بازیچه خود قرار دادند و به خصوص آنانی که تشنه دعوت اسلامی بودند، آن ها را با احادیث مهدویت به سوی دیگری (غیر از نظام خلافت) سوق دادند. در نتیجه از ناحیه اهل بیت طاهر نبی(ص) احادیثی را وضع کردند که مثلاً از رسول خدا روایت کرده و حتی برایش سند درست کردند و از طرق مختلف در میان عوام الناس پخش کردند و مردم ساده دل هم آن ها را باور کرد و رجال بزرگ شیعه در مقابل این جعل حدیث سکوت کرد چون به نفع و مصلحتشان بود. باز در صفحه 244 ادامه می دهد: در نتیجه عقلانیت دینی مردم با احادیثی پر شد و داستان هایی جعل شد که نوشته های بزرگ را در کتب مسلمین به خود اختصاص داد و به نام ملاحم و فتن مشهور گردید. در این داستان ها خبر از وقایع غیبی بود که در آینده می بایست واقع شود مانند جنگ عرب و رم و جنگ با ترکان. همه این داستان های خیالی به پیامبر اکرم(ص) نسبت داده می شد و بخشی از آن به ائمه اهل بیت(ع) و برخی دیگر به کعب الاحبار و وهب بن منبه و همچنین کسانی دیگر. این داستان ها و اخبار غیبی اثر بسیار بدی در گمراهی اندیشه های مردم داشت تا آنجا که ملت را برده اوهام و خیالات نمود و بدتر از آن شورش های پی در پی در تاریخ مسلمان ها پیدا شد که باعث آن، نظریه مهدویت است چون در هر زمانی یک شورش برپا می گردید که شخصی خود را مهدی موعود تبلیغ می کرد و گروهی را به دور خودش جمع می کرد که باعث نامانی و آشوب می گردید. تمام این ها پیامد اندیشه خرافی مهدویت بود، اندیشه ای که نه با سنت خداوند مطابقت داشت و نه در خلقت خداوند امکان داشت و نه عقل صحیح آن را می پذیرفت. **پاسخدر شبهه** نخست آقای احمد امین مؤلف محترم کتاب مشهور «ضحی الاسلام» که می گوید: «مهدویت از ساخته های شیعیان است و ربطی به رسول خدا ص ندارد». در برابر این ادعای بی جا و بسیار بی پایه باید گفت: سخن ایشان که مدعی تحقیق و پژوهش در کتابش است سخت دروغ است و عجیب است از کسی مانند ایشان؟ گویا هیچ سررشته ای از معتقدات مسلمانان و حتی سنی ها ندارد. زیرا نزد اهل سنت و جماعت مهدویت بخشی از اعتقادات است که مانند دیگر مسلمات دینی آن را باور دارند. اما این که می گوید: «احادیث مهدویت نزد اهل سنت وجود ندارد و ساخته دست شیعه است»؛ بسیار نادرست می باشد. چون ائمه حدیث اهل سنت این روایات را به صورت متواتر از پیامبر(ص) مستقیماً روایت نموده اند. و نکته مهم تر که آقای احمد امین ناآگاه است، این حقیقت است که اصولاً در علم حدیث مجادلات و مباحث فرقه زیاد کارساز نیست. بسیار از روایان حدیث نزد اهل سنت و یا شیعیان ممکن است از مذهب و مشرب فرقه دیگری باشد ولی چون رجل ثقة است از اعتبار رجالی برخوردار است. از باب مثال: اصعب بن نباته از عاشقان و مریدان مشهور امام علی(ع) است ولی نزد روایان اهل سنت اعتبار دارد و یا سکونی از اهل سنت است اما نزد فقهای شیعه اعتبار رجالی دارد. زیرا گستره حدیث نص محور بوده و دارای امکانیاتی عقلی مانند جبر و اختیار و یا حسن و قبح نیست که هر کس مختار باشد به سویی رود و هر چیزی را به سوی مشخص و روال و مشرب و ذوق خود تفسیر نماید. سر و کار حدیث با منوصات سنت شریفه است که از طریق روات و ثقات به دست می آید و چه بسا موارد زیادی است که شیعه و سنی حدیث مشترک و یا راوی مشترک دارند و از جمله آن ها اخبار امام مهدی(ع) است؛ و شاهد ما در این باره روات مشترکی است که نزد فریقین و یا فرق اسلامی مورد قبول است؛ مثلاً ابوسعید خدری و یا عبدالله بن عباس و اصعب بن نباته و بالاتر از همه و اصولاً ائمه معصومین(ع) اثناعشریه روایاتشان نزد کلیه فرق اسلامی مورد احترام می باشد و حتی صحابه و منسوبین مورد احترامشان نزد دیگر فرق اسلام محترم هستند. در ادبیات علم حدیث اصطلاحی است به نام طریق روایت که بسیار اهمیت دارد. در بحث دلالت و سند حدیث حتی جابه جا شدن یک الف و یا حرف واو و حتی نقطه ای هم مورد سؤال است تا چه رسد به این که طریق و یا راوی از یک فرقه و یا طائفه و یا مذهب دیگری باشد و بخواهد برای تبلیغ مرام و ایده خود خبری در متون گروه دیگری منتقل نماید و یا بر آن ها تحمیل نماید. زیرا در مواردی طریق روایت چه بسا از خود حدیث مهم تر و معتبرتر است. در این که کدام طریق معتبر است بحث های عمده علم حدیث را تشکیل می دهد؛ و تا آنجا که مذاهب فقهی ائمه اربعه اهل سنت یعنی مالکیه و حنبلیه و حنفیه و شافعیه در رابطه با نحوه تلقی از احادیث با هم تعامل و تفاوت دارند و حتی پدید آمده اند تا آنجا که یک حدیث نزد حنبلیه به لحاظ مشرب فقهی معتبر است اما نزد مالکیه ممکن است کمتر اعتبار داشته باشد و یا حنفیه آن را به رسمیت نشناسد. خلاصه در علم حدیث صدها کتاب وجود دارد که بعد از تفاسیر قرآن مقام دوم اهمیت در تراث مکتوب جهان اسلام را دارا می باشد. احادیث مهدویت نیز در این رسته قرار می گیرد؛ اما با یک تفاوت که اهل سنت بدون هیچ اختلافی احادیث مهدویت را معتبر می دانند. چون می دانند و اثبات نموده اند که همه شان با طرق مقبول و مورد اعتبار به نظر ائمه حدیث رسیده و آن را تقریر و یا به اصطلاح اهل حدیث اخراج کرده اند. ادعای آقای احمد امین بسیار بی مایه و بی ریشه است، گویا کوچک ترین سررشته از علم حدیث ندارد که به راحتی در رابطه با احادیث نبوی جولان می دهد و رتق و فتق می کند؟ آن هم ادعا را در جایی می برد که هزاران عالم در طول بیش از ده قرن بر روی تک تک احادیث مهدویت زحمت کشیده اند. تمام افتخار این ائمه حدیث این است که سنت رسول الله را از نسلی به نسل دیگر منتقل نموده اند. البته این گونه نیست که میان شیعه و سنی تعامل حدیثی نبوده بلکه به شرطها و شروطها که نزد اهل خبره مشخص است؛ مثلاً شیخ الطائفة علامه طوسی با ائمه حدیث اهل سنت تعامل حدیثی داشته و با امانت حدیثی را اخذ می کرده و یا حدیثی را در اختیارشان می گذارده است. در مجموع بیش از صد فقره حدیث نزد اهل سنت وجود دارد که حکایت از امام مهدی(ع) می نماید. این احادیث در طول قرون توسط علمای برجسته حدیث اهل سنت استخراج و در مسیر درایت علم حدیث قرار گرفته و مفتح و تثبیت شده است که نه بدو و نه نهایتاً، هیچ عالم شیعی در تولید و یا تنقیح آن دخالت نداشته و خود علمای برجسته اهل سنت امثال حاکم نیشابوری و ابن حبان بستی و مزی و ابن حجر عسقلانی و ذهبی قایماری، این احادیث را صحیح و معتبر دانسته اند. **مراجع** عبدالله بن محمود، لامهدی، یبنتظر بعد رسول خیر البشر.

الشیخ عبد المحسن العباد، عقیده أهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر، المدینه المنوره، چاپ 1388 قمری.

عمرو ابن الصلاح الشَّهْرُورِي، عثمان بن عبد الرحمن، معرفة أنواع علوم الحديث.

عثمان بن عبد الرحمن، أبو عمرو، تقي الدين المعروف بابن الصلاح، معرفة أنواع علوم الحديث، دار الكتب العلميه الطبعة: الأولى سنة النشر: 1423 هـ / 2002 م.

محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف الحوراني الشافعي النووي، أبو زكريا.

محمد بن محمد بن أحمد بن إسحاق، أبو أحمد النيسابوري الكرابيسي معروف بالحاكم الكبير، المستدرک علی الصحیحین.

الذهبي، شمس الدين أبو عبد لله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز، التركماني الأصل ثم الدمشقي، تاريخ الإسلام.

أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، نخبه الفكر في مصطلح أهل الأثر.

أحمد أمين، ضحى الإسلام، ابى بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، المصنف، المكتب الاسلامي، بيروت. نویسنده: محمد امير ناصري ارزگانی: کارشناسی ارشد علوم سیاسی، محقق و پژوهشگر فصلنامه

حبل المتین شماره 13